

# نگاهی به نقوش سفالی ایران

(۲)

سیما کوبان  
ترجمه و تلخیص از کتاب سیلک پروفیسور گیرشمن

سیلک سوم (حدود سال ۳۵۰۰ ق. م.)

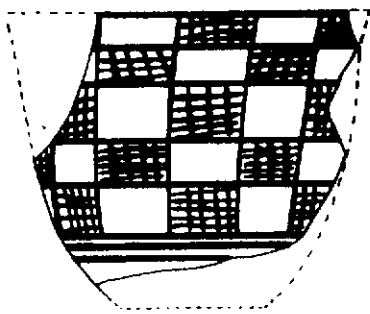
در جدیدترین طبقه سیلک سوم سفال‌گران آفریده تازه‌ای پدید می‌آورند که همان جام پایه‌دار است. این پدیده ثابت می‌کند که هنرمندان بفرمهای موجود اکتفا نمی‌کنند و در جستجوی نو هستند (۳۶). این کتشی تحولاتی را که در روش تزئین پیدا شده بخوبی مینمایاند.

تزئینات سفال این دوره سیاه براق و در اواخر دوره شیشه‌ای و کمی برجسته است. تزئینات روی پوششی رنگی که رنگ آن با خود سفال تفاوت داشته نقش می‌شده. فقط در دو طبقه آخر که رنگ کوزه‌ها خاکستری مایل بسبز بوده تزئینات مستقیماً روی گل کوزه قرار می‌گرفته. در این دوره مثل بعضی سفالهای تپه شمالی تزئینات هرگز سطح داخلی ظروف را نمی‌پوشاند. حذف تزئین سطح داخلی بعلت تحول فرمها که خیلی بسته‌تر میشوند و سطح داخلی را در معرض دید قرار نمیدهند کاملاً طبیعی است. دو قانون کلی در تزئینات سفال تپه جنوبی از قدیمترین دوران استقرار، در این قسمت تأیید شده است و آن نقش عمودی و نقش افقی است. ابتدا، در طبقه اول، نقوش هندسی از قبیل شطرنجی با چهارخانه‌های سفید و سیاه (۳۷) یا هاشوری (۳۸) مثلثهای سیاه (۳۹) فلسی (۴۰) و خطوط موج‌دار (۴۱) رواج بیشتری دارند.

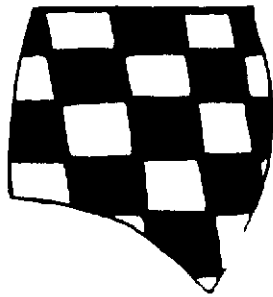
بموازات این نقوش که عیناً شبیه دوره دوم هستند، مجموعه‌ای از چهار موضوع که معمولاً روی يك سفال نقش شده است تکامل می‌یابد که عبارتند از:

- ۱- ردیفهای پرنده (۴۲)
- ۲- نقوش حلزونی که رویهم قرار گرفته‌اند و نماینده گیاهانند (۴۳)
- ۳- مارهائیکه عمودی ایستاده‌اند (۴۴)
- ۴- لوزیهای شاخ‌داری که رویهم قرار گرفته‌اند (۴۵)

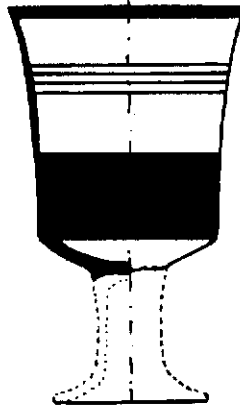
ردیفهای پرندگان از نقوش مشابه آن در سیلک دوم مشتق شده است. بنظر میرسد که مارها در ابتدا خطوط موج‌داری بوده‌اند که دوبعدی در کنارهم قرار گرفته و بوسیله خطوط افقی بهم وصل شده‌اند (۴۶) ریشه واصل لوزیهای شاخ‌دار در تصویر (۳۴) شرح داده شده است. و بالاخره گیاهان تزئینی بتازگی خلق شده. مجموعه این چهار نقش جداگانه و با بصورت گروه و همچنین نقش پرندگان آبی در حال شنا (۴۷) که از ردیف پرندگان مشتق شده است (۴۸) عمری طولانی کردند و تا طبقه هفتم باقی ماندند ولی خیلی تغییر شکل دادند و کم شدند.



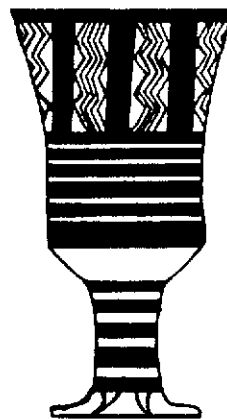
۴۸



۴۷



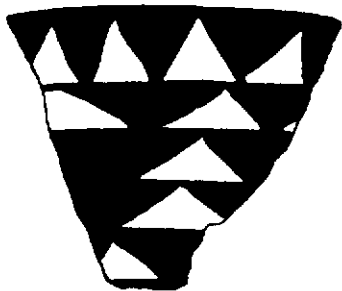
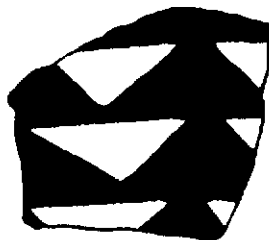
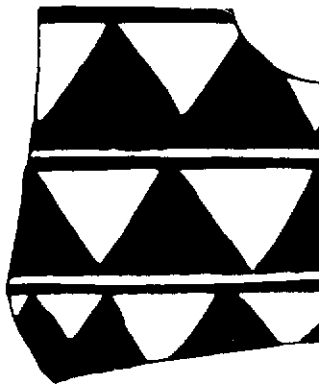
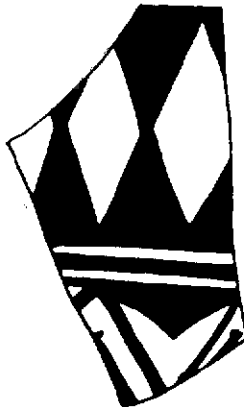
۴۶

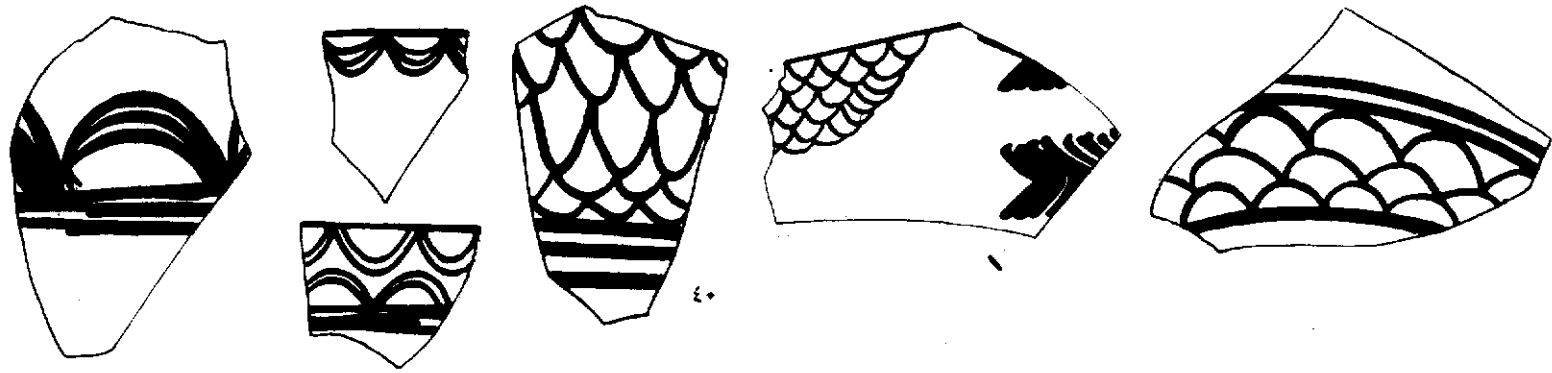


مارهای راست ایستاده که بوسیله دو خط شکسته و هاشور زده روی کاسه‌ها نقش شده‌اند تغییراتی پیدا میکنند و تا آخرین دوره سفال تزئین شده باقی میمانند (۴۹) بعدها این نقش دوباره دیده میشود ولی اینبار فقط بصورت خطوط جناقی درآمده است (۵۰) .  
در روی بعضی تکه سفالهای سیلک سوم حیواناتی در کنار نقوشی که در بالا ذکر شد دیده میشوند ولی ظروف کاملی که این تزئین را داشته باشند قبل از سیلک چهارم (حدود ۳۰۰ ق. م. .) بدست نیامده است (۵۲) .

در سیلک پنجم (حدود ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ ق. م. .) این نقوش شگفتگی کامل مییابند و نماینده ذوق و سلیقه هنرمندان فلات مرتفع هستند . نقش انسان در میان حیواناتی که مدت‌هاست آنها را اهلی کرده از قبیل خر (۵۳) و گاو (۵۴) کشیده شده است . نقش بزکوهی (۵۵) و پلنگ (۵۶) زیاد بچشم میخورد . بنظر میرسد باطلاقیهای این دوره پراز پرندگان مختلف بوده که در بین آنها مرغان بلند پای آبی (۵۷) و مرغابی (۵۸) را نقاشی کرده‌اند . در مقابل فراوانی این شکارها وجود پرندگان صیاد مثل عقاب (۵۹) و شاهین (۶۰) طبیعی است . مارها بدو طریق نقش شده‌اند - یابصورت یک خزنده دراز که گرداگرد دهانه را تزئین میکند و سر و دم آن بهم و یابصورت یک ردیف مارهای کوچک لوله شده (۶۱) . در سیلک ششم (حدود ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ ق. م. .) برای اولین بار نقش یک نوع سگ دیده میشود (۶۲) .  
تا اینجا نقاشی خیلی نزدیک به طبیعت است و حیوانات را همانطور که می‌بینید دور دهانه

۴۹





ظرف میکشد، ولی از این طبقه بعد یکنوع زیاده روی در فرمها دیده میشود و در سفالهای این دوره شباهتی با روحیه وسبک سفالهای شوش یک وجود دارد. شاخها بلند و بدنها کوتاه میشوند (۶۳) دم بیش از اندازه دراز میشود (۶۴) تمام بدن حیوان در چند خط خلاصه میشود و شاخ اهمیت زیادی پیدا میکند (۶۵) در اینجا که هنرمند دوباره از رئالیسم<sup>۱</sup> تزئینی به طرح ساده شده باز میگردد.

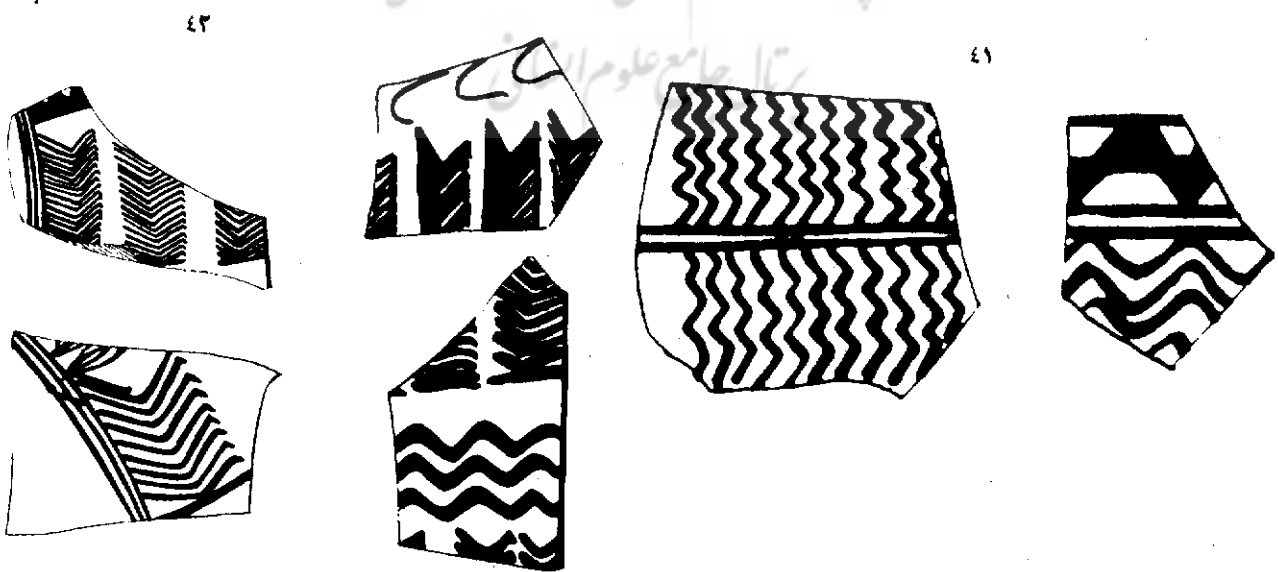
بانگاہ سریعی بگذشته هنر سفال سازی در دوره سوم متوجه جستجوی ناتورالیزم<sup>۲</sup> که به استیلیزاسیون<sup>۳</sup> میانجامد میشود و می بینیم که سلیقه ای مشابه این، در سیلک دوم نیز وجود داشته است. بطور کلی اصول یکیست فقط اجزاء متفاوت است.

تحول تزئینات سفال با این گرایش جدید به استیلیزاسیون متوقف نمیشود. نمونه های زیادی که از جدیدترین قسمت سیلک ششم بدست آمده نشان میدهد که هنرمند همیشه در حال پیشرفت بوده است و کمپوزیسیونهای<sup>۴</sup> جدیدی خلق کرده است. باین ترتیب حیواناتی که سابقاً

- ۱- رئالیسم = واقع بینی
- ۲- ناتورالیزم = گرایش بسوی طبیعت
- ۳- استیلیزاسیون = ساده کردن
- ۴- کمپوزیسیون = ترکیبات

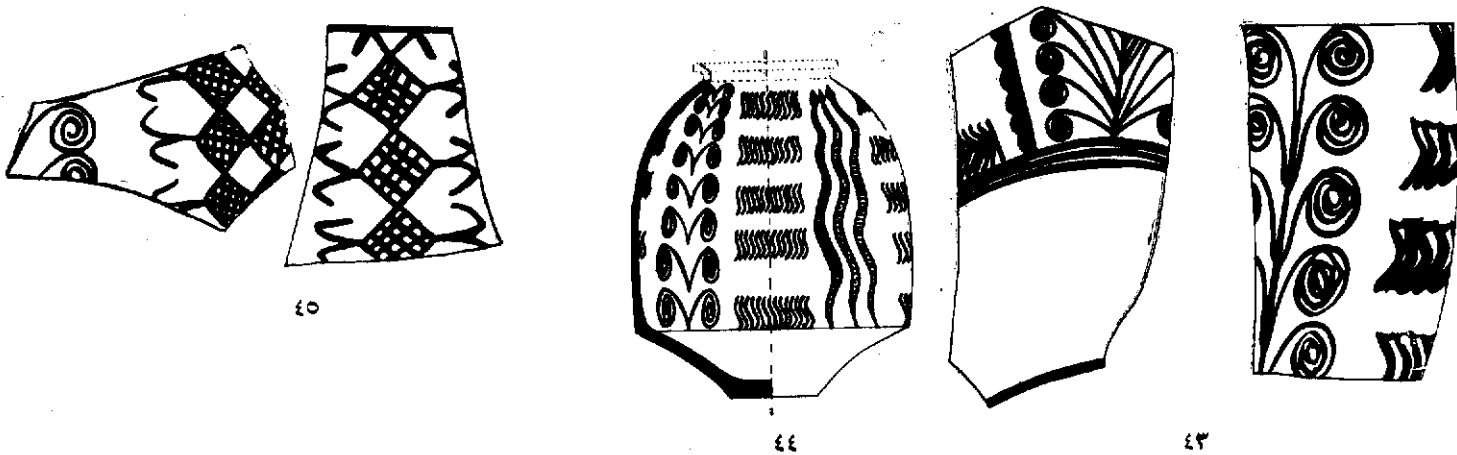
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تراجم علوم انسانی



۴۲

۴۱



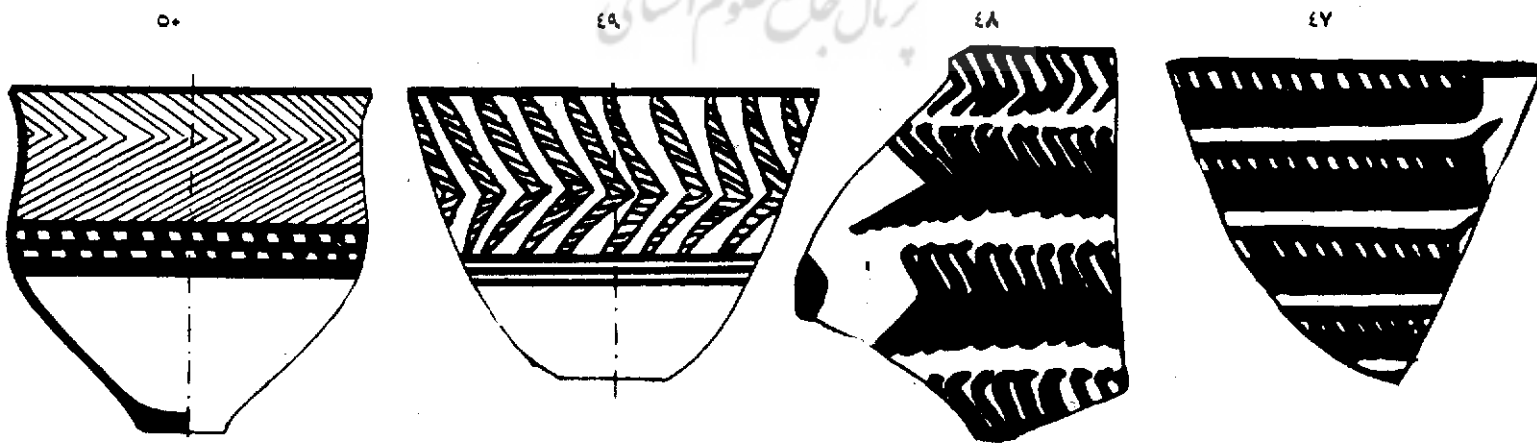
بصورت ردیف و پشت سرهم نشان داده میشد در این دوره از اطراف محدود است و گرداگرد  
 ظرف به مربعهای فاصله‌دار تزئین شده‌ای تقسیم شده است (۶۶).

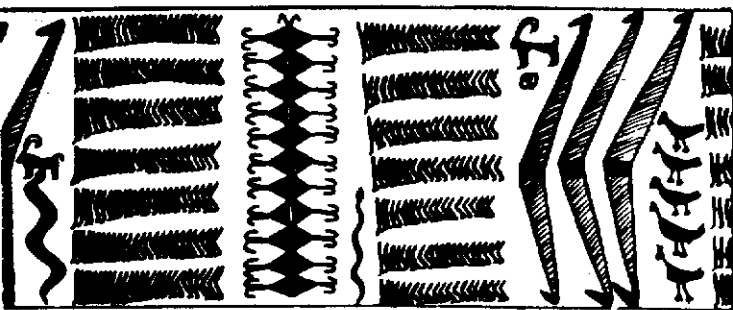
قوانین کمپوزیسیون تغییرات عمیقی پیدا کرد و از یک ردیف حیوانات پشت سرهم و روی  
 یک سطح تبدیل به صحنه‌های پیچیده‌تر شد که در آنها موضوع بنا بر قانون مشخصی قرار نمی‌گیرد.  
 در اینجا صحنه‌های شکار دیده میشوند که در آنها روی زمینه گیاهان یک ببر و یک کفتار گله‌ای  
 از بزکوهی را دنبال میکنند (۶۷) و (۶۸). نقش انسان بیش از سابق دیده میشود. فرم بدن  
 عوض میشود - کمر باریکتر و شانه‌ها پهن‌تر میشود. موها بعقب پرتاب شده و روی سر نیز  
 پر می‌زده (۶۹). انسان لخت است، سر از نیمرخ، بدن از روبرو و کمر از سه‌ربعی و پاها از نیمرخ  
 کشیده شده‌اند و روی این تکه سفال بنظر میرسد که دو کمان به کمر بندش آویزان شده است  
 و در دست راست اسلحه و باطنایی دارد (۶۹). روی تکه سفال دیگری انسان گاوی باشاخهای  
 بلند را بوسیله حلقه‌ایکه از پوزه گاو گذرانده نگه داشته است. (۷۰) تنوع حیوانات با پیدایش  
 نقش شیر غنی‌تر از سابق میشود (۷۱) بدن بعضی از حیوانات بجای سیاه باهاشور نقش شده  
 و دور آن خط سیاهی کشیده شده است (۷۲). این طرز کار در استیل شوش دوم زیاد دیده  
 میشود.

○ - استیل = سیک

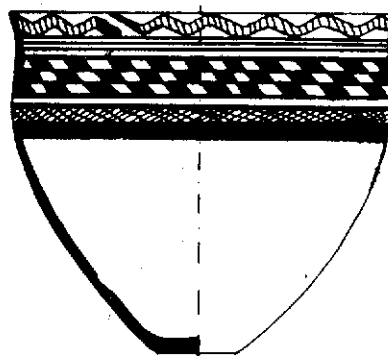
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

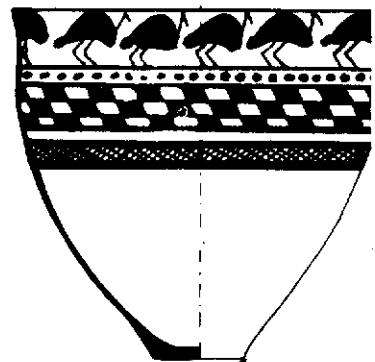




۰۲



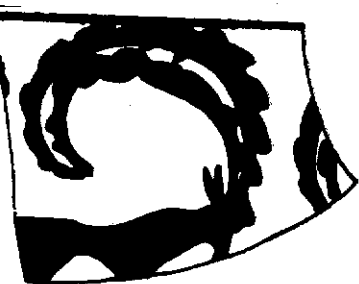
۰۱



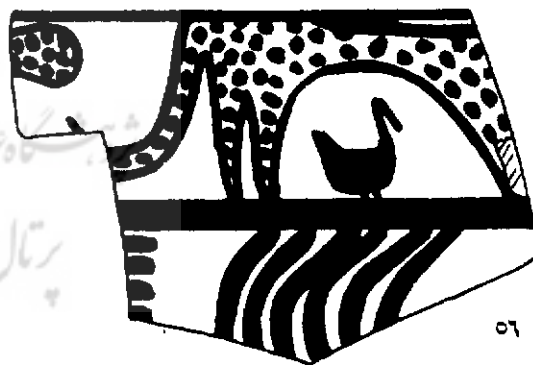
۰۴



۰۲



۰۵

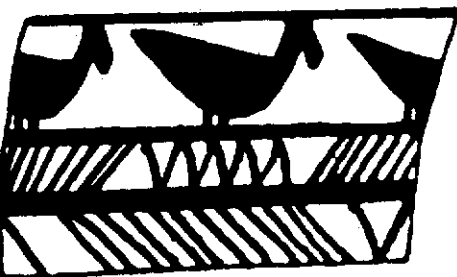


۰۶

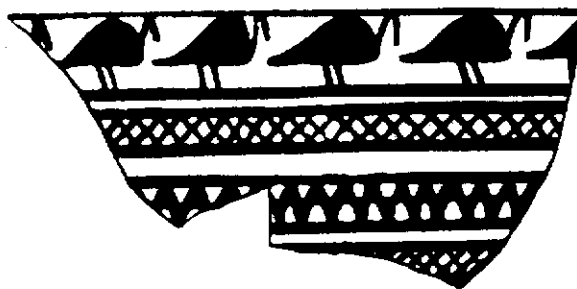
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

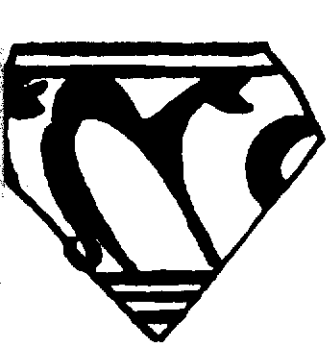
۰۸

۰۷

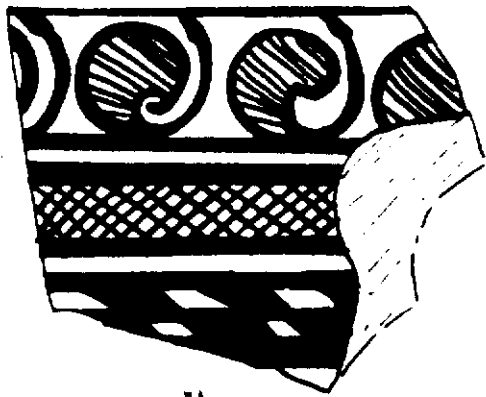


۰۳

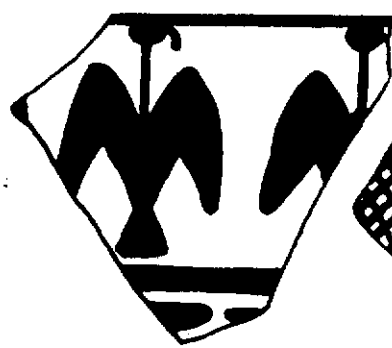




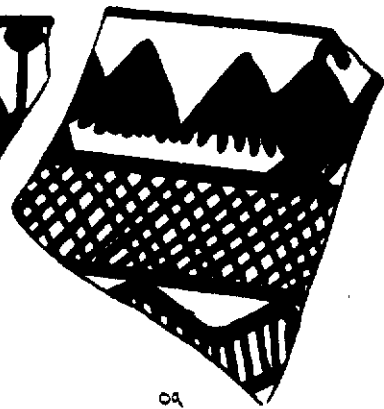
۶۲



۶۱



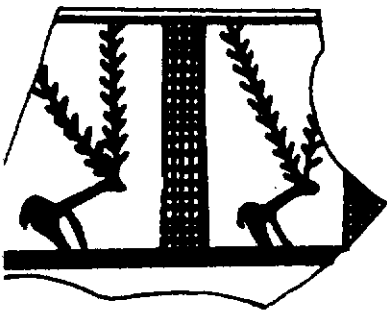
۶۰



۵۹

تنوع و ازدیاد نقش انسان، در صحنه‌های شکار، حیوانات مختلفی که باهم مخلوط شده‌اند و در روی ظرف‌های اواخر دوره سوم نقش گرفته‌اند، نزدیکی جدیدی بین هنر سفال‌سازی فلات<sup>۶</sup> مرتفع و کنده‌کاری‌های دشت باختری<sup>۷</sup> بوجود آورده است. م. پزارد M. Pézard و ل. لوگرن L. Legrin که کنده‌کاری شوش را مورد بررسی قرار داده‌اند بکرات وجود شباهتی را بین موضوعات تزئینی ظروف شوش از یک طرف و نقش‌های مهرهای استوانه‌ای ایلام مقدم از طرف دیگر تأکید کرده‌اند. بدن‌های آنها ژ. شیلد تصور میکند که صف پرندگان یا حیوانات در صحنه‌های شکار یا انسانها در حال ساختن ظروف، مثل تمام موضوعات مختلف کنده‌کاری ایلام مقدم، با وجود ناتوانی‌های جدیدشان از اعقاب موضوعات شوش اول میباشند. همچنین ژ. ژاردن J. Jardin بوسیله هنر ایلام سعی میکند پیدایش صحنه‌هایی را که روی استوانه‌های ورتای چهارم نقش شده است بیان کند.

اگر چنین باشد، با آخرین نتایج حفاریها، در فلات حالت مشترکی از تأثیرات ارتباطات بصورتی کاملتر بین این منطقه و دشت بین‌النهرین وجود دارد. میتوان تصور کرد که



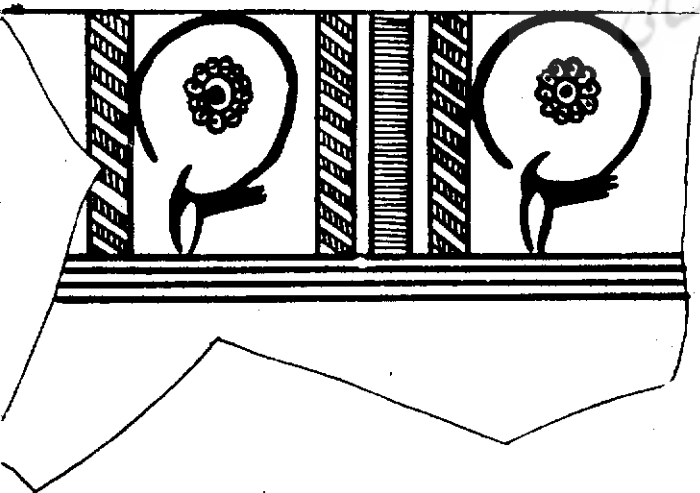
۶۳

۶ - فلات مرتفع = فلات ایران

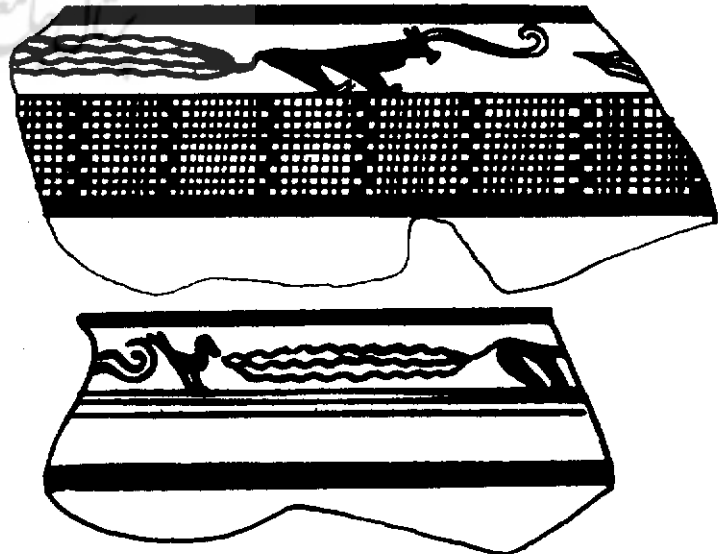
۷ - دشت باختری = خوزستان و بین‌النهرین

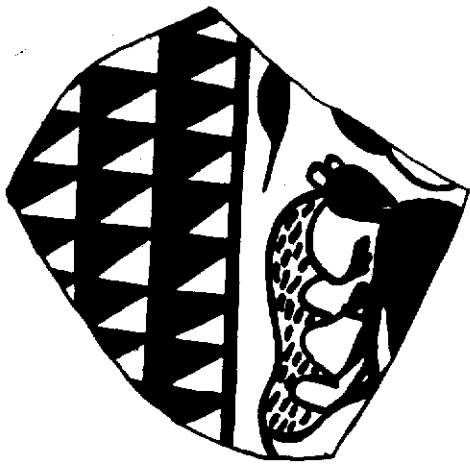
شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶۵



۶۴

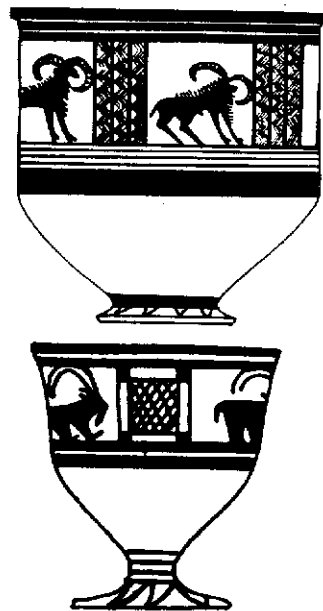




۶۷



۶۶



شایدکنده کاریهای سومری، از تزئینات سفالیکه درفلات مرتفع، مدتها پیش از پیدایش اولین استوانه‌های بین‌النهرین شکوفان شده بود الهام گرفته است.

بعدها درسیک چهارم، مورد استفاده استوانه ازدشت بهفلات مرتفع راه مییابد و این استوانه‌ها نقشهایی را که سابقاً درفلات مرتفع بوجود آمده بودند بدنجا باز میگرداند. ملت عیبد، علاقمند بهسفال منقوش، هرگز نتوانست از مجموعه نقشهای مطلقاً هندسی که روی ظرفها میکشیدگامی فراتر نهد.

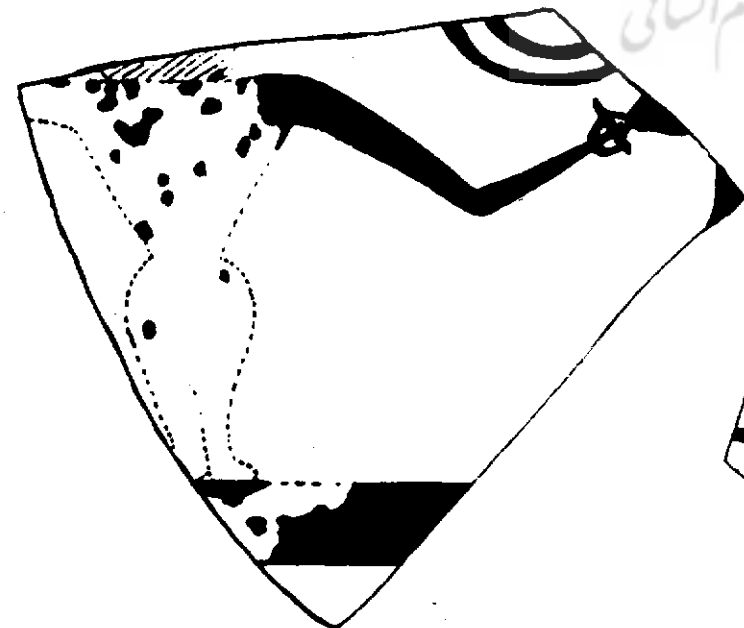
تنوع صحنه‌های استوانه‌های بین‌النهرین، صحنه‌هاییکه درهمین زمان روی ظروف قبل از تاریخ ایرانی وجود داشته بجز ادامه منطقی و نتیجه طبیعی ویشرفتهای هنری صنعتگران که از قرن‌ها پیش این نوع تزئین را بکار میبرده‌اند پدیده چه میتواند باشد؟ بنظر میرسد که پرتو این هنر ماقبل تاریخ ایران بر مناطق دوردست دیگری نیز تأییدن گرفته است.

حفاریهای جدید دره اندوس و بلوچستان شاهد این مدعا هستند و برای مثال بهشبهاتی که بین تزئینات سفال نال و سفال سیلک سوم وجود دارد اشاره میکنیم. مناطق شمالی نیز از تأثیرات این هنر کاملاً بی‌بهره نماندند و در سفالهای مایکوپ بهمان شیرها، بزهای کوهی

۸ - عیبد = یکی از نقاط باستانی بین‌النهرین که معرف تمدن خاصی است.

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

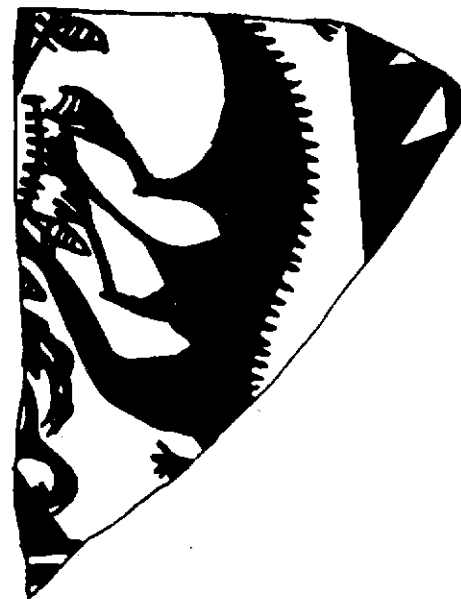
۷۰



۶۹

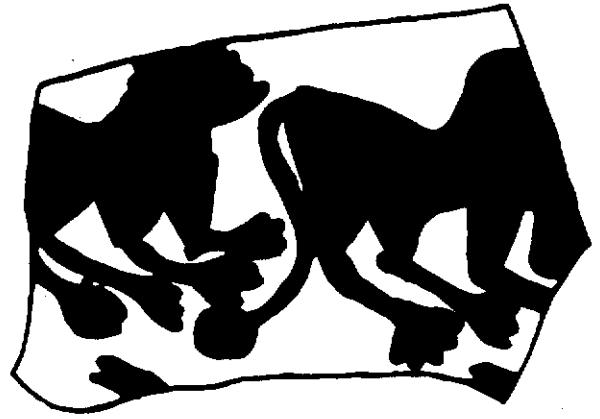


۶۸





۷۲



۷۱

و مخصوصاً پرندگانیکه روی حیوانات خم شده‌اند و در تزئینات سیلک دیده میشوند برمیخوریم . سفالهای نفیس و متنوع نماینده این طبقه هستند . تغییراتی که در این سفال پیدا شده بسیار کند است و باید آنرا نتیجه طبیعی تحولی منطقه‌ای دانست . نقوش حیواناتی که روی ظروف ابتدای سیلک سوم هستند دارای دو جنبه‌اند . بعضی از آنها مثل لوزیهای شاخ‌دار و بخصوص ردیفهای پرندگان نشانه بقای سنتهای سیلک دوم است . در کنار این نقوش ، حیوانات دیگری ظاهر میشوند که دارای حالتی رئالیست هستند ولی جنبه آرامش و سکون آنها بیشتر از پدیده‌های کارگاههای تپه شمالیست . این نقوش بصورت ردیفهای منظمی دور دهانه ظرف قرار میگیرند . به‌مارها و پرندگانیکه از انواع مختلف هستند ، بزهای کوهی و ببرها اضافه میشوند . از سیلک سوم به بعد نشانه‌های تغییر شکل و استیلیزاسیون دیده میشود که عبارتند از طولیل شدن دمها و شاخها و تقریباً از بین رفتن کامل بدن . در اینجا به لحظه‌ای از هنر ماقبل تاریخ ایران میرسیم که بنظر میرسد این هنر بعقب بازگشته تافورمولهای سیلک دوم را باطرزی فکورانه‌تر ، منظم‌تر و آزادتر بکاربندد . شوش و تخت‌جمشید بهترین ساخته‌های این مکتب را عرضه میدارند . بالاخره آخرین آثار سیلک سوم برای بار سوم مارا به رئالیزم یابتر بگوئیم به نئورئالیزم باز میگرداند . حرکت آزاد حیوانات که همدیگر را دنبال میکنند و یا باهم می‌جنگند در سیلک نماینده عالی‌ترین صفحه این هنر سفال‌سازی فلات مرتفع است که همیشه در جستجوی فرمهای جدید بود . مدت ده قرن مردمیکه در ایران قدیم زندگی میکردند با این سفال منقوش که در تمام این دوران بدون وقفه شکوفا بود و زندگی و حرکت این هنر را ثابت میکرد عمیقاً وفادار ماندند . این هنر با قدرت ، خود را در چهارچوب نقوشی که بخوبی میشناخته محسوس نکرد . بلکه سرشار از تحرك تغییر شکل میدهد و موضوعات قدیمی را فقط با جستجو در منابع اولیه آنها توسعه میدهد . تنوع مکتب‌هایی که یکی پس از دیگری بامکتب‌هایی کم‌وبیش منظم وجود داشته است ، تنوع ساخته‌های کارگاهها را نمیکاهد و باین ترتیب است که سفالگران دو مرکز همزمان - شوش و تخت‌جمشید - با وجود دنبال کردن فرمولهای مشابه ، تزئینات سفالی کاملاً مشخصی بوجود می‌آورند . قدرت و ادامه این هنر سبب میشود که بر تمام فلات مرتفع پرتو بیفکند و حتی از حدود و مرزهای این سرزمین فراتر رود .